

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

اختر شمار

خورده باشم مگر هیچ شیر مادر را
ترا به من سر مهر و وفا بدان ماند

که تا دوباره نبوسم دهان ساغر را
لبت چو قند، مکرر مکیده آب کنم

که تا به کعبه مسلمان کنند کافر را
به آب تویه مگر شسته اند دامن من

اگر بدست من آرند این مکرر را
تو شادباش، اگرچه به شعله های فراق

که ساقی از کف من دور کرد ساغر را
مقدر است که جان در ره تو بسپارم

شبانه یکه و تنها شمارم اختر را
ز حد گذشت غم و محنت فراق، ولی

بگیر تیغ و جفا ساز این مقدر را
نگار از پی قتل نشسته است به جنگ

به دوش میکشیم این درد نابرابر را
ز من پیرس که زاهد دگر چه میگوید

رها نمیکم آسان، کنار سنگر را
که نزد من سخنش داده رنگ و جوهر را

«اسیر» نام رقیب از چه میبری بزبان؟

مگو که نام وی آلوده ساخت دفتر را

(شهر بن - المان، جولای ۱۹۹۵ع)